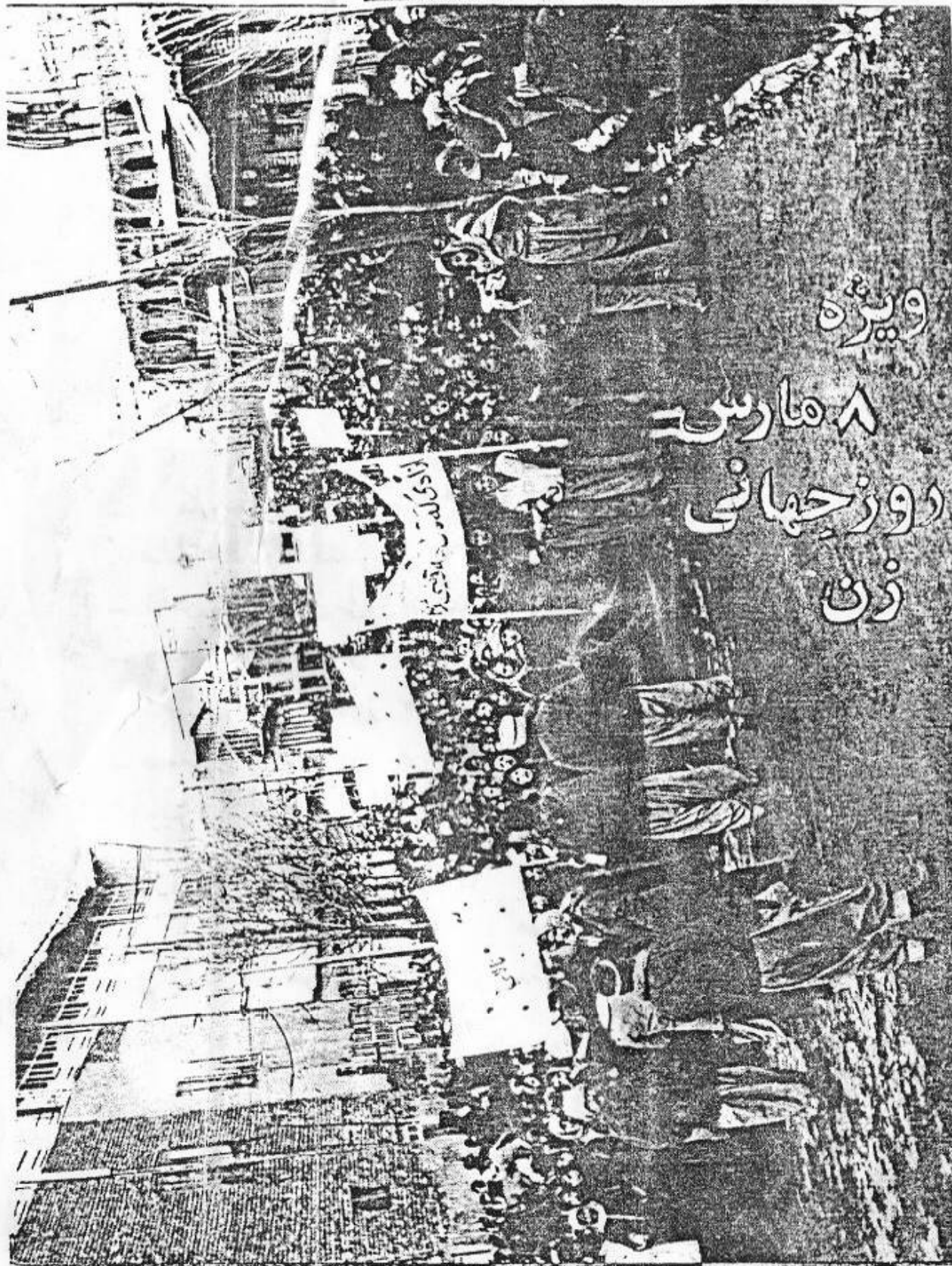


تنگنا

کمیته زنان وابسته به تفکيلات مواداران

از زمان پریکهای معاشی خلق ایران - سیستان و بلوچستان



ویژه

۸ مارس -

روز جهانی

زن

ضد امپریالیستی جیره جدا چه جیره په دمکراسی نه انت

۸ مارس روز جهانی زن را گرامی داریم

در روز (۸ مارس ۱۹۰۸ یعنی ۷۶ سال قبل هزاران تن از زنان قهرمان کارگر نساجی آمریکا علیه ستم سرمایه و دست‌یابی به حقوق دمکراتیک خویش دست به اعتراض گسترده‌ای زدند. آنان خواهان پایان دادن به قوانین غیرانسانی ۱۲ ساعت کار روزانه برای زنان و اشتغال کودکان بودند، این جنبش با خواست‌حق‌رای برای زنان همراه بود.

این اعتراض بزرگ زنان از شهر صنعتی نیویورک آغاز گشت و با حمایت وسیع زنان زحمتکش در سطح جهانی روبرو شد. اگرچه خواسته‌های این جنبش در همان مرحله بدست نیامد، ولی این حرکت نقطه عطفی در جنبش زنان کارگر و زحمتکش و طبقه کارگر جهانی گشت.

در سال ۱۹۱۰ یعنی دو سال بعد از این حرکت به پیشنهاد کلارا زتکین (یکی از چهره‌های درخشان زنان کمونیست و یکی از رهبران سوسیال دمکراسی آلمان) در کنفرانس بین‌المللی زنان در کپنهاگ این روز به عنوان روز جهانی زنان زحمتکش تصویب گشت. زنان کارگر و زحمتکش هر ساله این روز را به شیوه‌های گوناگون گرامی داشته و همبستگی خود را در سراسر جهان هرچه بیشتر مستحکم می‌گردانند. کنفرانس تصمیم گرفت که هر ساله در همه کشورهای زن روز واحد ویژه‌ای را با شعار "حق‌رای زنان نیروهایمان را در مبارزه برای سوسیالیسم متحد می‌سازد" برگزار نمایند. در سال ۱۹۱۱ روز بین‌المللی زنان رسماً از طرف انترناسیونال دوم پذیرفته شد.

هدف سوسیالیستها از مطرح نمودن این شعار یعنی اهمیت احقاق حق‌رای برای زنان کارگر از آن جهت بود که میلیونها زن پرولتاریا که با رشد سرمایه‌داری در رشته‌های صنایع بکار پرداختند میتوانستند از این حق، بعنوان وسیله‌ای برای نفوذ اجتماعی و سیاسی و حفظ منافع اقتصادی خود و نیز بصورت حربه‌ای در مبارزه علیه طبقه سرمایه‌دار استثمارگر استفاده کنند. لکن هدف نهایی زنان پرولتاریا انقلاب پرولتری و برچیدن سلطه بورژوازی، استقرار دیکتاتور پرولتاریا، لغو مالکیت خصوصی، ایجاد جامعه کمونیستی و کسب آزادی کامل و تساوی واقعی با مردان بود. و مطرح نمودن حق‌رای محدود حق‌رای محدود از جانب زنان بورژوا باعث می‌گردید که بورژوازی نیرومندتر شده و موقعیت زنان پرولتاریا مانند این طبقه بیشتر تضعیف گردد.

اولین مراسم روز جهانی زنان کارگر در ۱۹ مارس ۱۹۱۱ برگزار گردید. این تاریخ بدین سبب انتخاب شد که اهمیت تاریخی برای پرولتاریای آلمان داشت، در روز نوزدهم مارس ۱۸۴۸ شاه پروس که نیروی عظیم خلق را غیر قابل مقاومت یافت در برابر خطر شورش کارگران و در مقابل خواسته‌های آنان سرفرود آورد. او در ضمن تمام وعده‌هایی که هرگز جامه عمل نپوشیدند وعده حق‌رای به زنان را نیز داد. اولین مراسم روز بین‌المللی زنان در سال ۱۸۱۱ با موفقیت بی‌نظیری در آلمان، اطریش و سوئیس برگزار شد. آلمان و اطریش در این روز تبدیل بدریائی خروشان شدند. جلسات در همه جا حتی در شهرهای کوچک و در روستاها نیز تشکیل شدند. در اطریش در جریان تظاهرات بزرگ خیابانی که با شرکت ۳۰۰۰۰ نفر برگزار میشد پلیس سعی کرد که شمارهای تظاهرکنندگان را از آنان بگیرد اما زنان کارگر مقاومت ورزیدند و سرانجام با وساطت معاونین سوسیالیست پارلمان از خونریزی جلوگیری کرد.

در سال ۱۹۱۳ روز بین‌المللی زنان به هفتم مارس انتقال یافت و از آن سال ببعده این روز بعنوان روز جهانی زن در تاریخ خلقهای جهان ثبت گردید.



فهرست مطالب

- ۸ مارس روز جهانی زن را گرامی داریم ص ۱
- علل عقب ماندگی زن ص ۳
- نقش زنان در انقلابات و دستاوردهای آن ص ۵
- وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ص ۷
- شعر افتخار از مرضیه احمدی اسکوئی ص ۱۰
- سیمای زن بلوچ ص ۱۵
- ویژه نامه شهدا ص ۱۷
- زن بلوچ ص ۱۱

■ روی جلد تظاهرات زنان کردستان بمناسبت ۸ مارس روز

جهانی زن در اسفند ۱۳۵۹ میباشد .

۸ مارس

در ۸ مارس ۱۹۱۳ زنان کارگر روس برای اولین بار روز جهانی زن را جشن گرفتند. پراودا برای این روز شماره مخصوصی انتشار داد و به تمام زنان کارگر نود فرستاد و ورونشان را به صفوف پرولتاریای مبارزه جو تهنیت گفت اقدام بلشویکها در مورد کار بین زنان بقدری موفقیت آمیز بود که بلشویکها به پیشنهاد لنین تصمیم به انتشار روزنامه‌ای مخصوص برای زنان کارگر را گرفتند. این مجله "زن کارگر" نامیده شد. اولین شماره این مجله در روز جهانی زنان در سال ۱۹۱۴ انتشار یافت. این مجله نقش‌گرفتی در بسیج زنان و جلب آنها به حزب بلشویک داشت قبل از برگزاری این روز تمامی اعضای شورای نویسندگان مجله به استثنای یک نفر، توسط پلیس تزاری دستگیر شدند. در روز هشتم مارس سال ۱۹۱۴ تنها عضو آزاد شورای نویسندگان مجله "زن کارگر"، آنالیزار ووا خواهر لنین، نخستین شماره مجله را به تنهایی انتشار داد و زنان را گرد شمار "حق برای زنان کارگر" بسیج کرد.

در سالهای ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ زنان سوسیالیست موافق بلشویکها سعی کردند روز جهانی زن را به مبارزه علیه جنک امپریالیستی تبدیل نمایند، اما سوسیالیستهای خائن به منافع طبقه کارگر آلمان و سایر کشورها مانع این کار گردیدند و در سال ۱۹۱۵ تنها در نروژ تظاهراتی بمناسبت روز زن برگزار گردید. در روز هشتم مارس ۱۹۱۷، تظاهرات زنان روسی برضد جنک و تزاریسم برگزار شد. توده وسیعی از زنان زحمتکش به خیابانها ریختند تا برضد جنک، گرسنگی، سرما و ... اعتراض کنند. کارگران مرد روسی با اعتصابات یکپارچه در پتروگراد از تظاهرات زنان پشتیبانی کردند. مجموعه این حرکات به تظاهرات سیاسی پرشوری علیه تزاریسم مبدل شد. این روز در تاریخ روسیه، روزی فراموش نشدنی است. انقلاب فوریه در این روز آغاز شد. روزنامه پراودا، یک هفته بعد در مقاله‌ای با عنوان "روز بزرگ" چنین نوشت: "اولین روز انقلاب روز زنان است، افتخار بر زنان باد، افتخار به این روز جهانی باد، افتخار بر زنانی که در روز خود به خیابانها پتروگراد گام نهادند."

پیروزی انقلاب اکتبر، و مبارزات پرخروش پرولتاریای دوران ساز، به‌ورژوازی هراسان را وادار کرد که بتدریج در کشورها، مختلف سرمایه‌داری به زنان کارگر حق رای اعطا کنند.

جنبش زنان در ایران پس از انقلاب مشروطه و پیروزی انقلاب کبیر اکتبر طی سالهای ۱۹۳۰-۱۹۱۹ گسترش یافت، در این سالها جمعیتهای گوناگون برای کسب حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در نقاط مختلف ایران تشکیل شد. در سال ۱۹۲۲ (۱۳۰۰ شمسی) جمعیتی بنام "پیک سعادت" در کیلا (رشت) با انتشار مجله "پیک سعادت نسوان" اعلام موجودیت نمود. هشتم مارس روز جهانی زن برای اولین بار در ایران به دعوت این جمعیت جشن گرفته شد. مقارن همین ایام بمناسبت روز جهانی زن جمعیت دیگری بنام "نسوان وطن خواه" برای اولین بار نمایشنامه‌ای افشاگرانه و اعتراضی بر علیه ستمکیدگی زن بر روی صحنه آورد. این نمایشنامه که پختر قربانی نام داشت، به کمک میرزاده عشقی، شاعر آزادیخواه و حامی جنبش زنان ایران تهیه و اجرا گردید.

بعد از استقرار حکومت رضا شاه تمام مجامع مبارز و مترقی زنان سرکوب و منحل گردیدند. پس از سقوط رضا شاه مبارزات زنان با شکل گرفتن مجدد "سازمان دمکراتیک زنان ایران" روز جهانی زن را جشن گرفتند.

در طی دوران رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، خائن جنبش زنان و انجمنهای زنان بگلی سرکوب گردید و بجای آن سازمانهای زنان مصنوعی تشکیل شد و روز جهانی زن از هشتم مارس (۱۷ اسفند) به ۱۷ دی تغییر یافت.

بدنبال سرنگونی رژیم ضدبشری شاه، جنبش زنان مجال شکوفایی و باروری یافت. اولین مراسم بزرگداشت هشت مارس در "بهار آزادی" ایران، همراه با تظاهرات وسیع و باشکوه زنان در دانشگاه تهران برگزار گردید. این روز در عین حال حرکت اعتراضی وسیعی بود بر علیه سیاستهای ضددمکراتیک جمهوری اسلامی، نظیر حجاب اجباری، قوانین ارتجاعی اسلامی در مورد ازدواج و طلاق و ... که از برد بسیار وسیعی برخوردار بود. بعد از استقرار

علل عقب ماندگی زن

در جوامع اشتراکی اولیه که وسایل تولید به همگی افراد قبیله یا طایفه تعلق داشت، کلیه افراد بیکسان از مزایای اجتماعی بهره می بردند حتی در آن دوران به دلیل اینکه زنان به کار کشاورزی و صید اشتغال داشتند که نسبت به مردان که برای شکار ناچار به رفتن به جنگلها بودند، راه مطمئن تری برای تهیه غذا بوده و تسلط بیشتری بر روابط اجتماعی آن دوران داشتند. اما در اثر رشد تولیدات و نیروهای مولد انسانها رفته رفته بیشتر از نیاز خود توانستند تولید کنند بشکلی که دیگر لازم نبود مردان برای تولید مایحتاج به راههای دور با سرنوشت نامعلوم تن دهند لذا مردان اندک اندک بخاطر تفوق در تولید در جامعه نیز برتری یافته زنان به انسانهای درجه دوم و رفته رفته پست تر تبدیل شدند و در محدوده کارخانگی محبوس گشتند و به برده تبدیل شدند قبل از آنکه بردگان پدیدار شوند نتیجه با پیدایش مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و پیدایش طبقات و جامعه پدرسالاری مقام زن تنزل یافت.

" با پیدایش خانواده پدرسالاری وضع تغییر یافت. اداره امور خانه صفت اجتماعی و عمومی خود را از دست داد و به یک خدمت خصوصی بدل گشت. زن نخستین خادم خانگی شد. " (انگلس - منشا خانواده، مالکیت خصوصی، دولت - ص ۹۶)

موقعیت پست و خوار زن در خانه و اجتماع، دور افتادگی از کار اجتماعی باعث شد که موقعیت فکری و آگاهی زن در همان چهارچوب تنگ خانه محدود بماند و در زیر فرهنگ پدرسالاری، فرهنگ عقب مانده و پوسیده هرچه بیشتر نسبت به گریبان زنان گردید. این وضعیت زنان در طول تاریخ، در تمام نظامهای طبقاتی، برده داری، فئودالی و سرمایه داری ادامه یافت. با پدید آمدن تولید صنعتی بزرگ و پدیدار شدن نظام سرمایه داری و نیاز هرچه بیشتر سرمایه داری به نیروی کار ارزان سبب گردید که زنان مجدداً پا بر عرصه تولید اجتماعی بگذارند. در سرمایه داری، از کار زنان در کارهای ظریف و طاقت فرسا که نیازی به نیروی بازو نباشد، با نازلترین سطح دستمزد بهره می گیرند و همواره زنان را در مقابل مردان کارگر قرار داده و نیروی عظیمی از زنان کارگر را در پشت درهای کارخانه گذاشته تا در هر اعتراض کارگری برای بالا بردن دستمزد و شرایط بهتر کار، از آنان استفاده جوید و بدین وسیله نیز سطح دستمزد را همواره در سطحی بسیار پائین نگهدارد. در واقع زنان در سرمایه داری به عنوان "ارتش ذخیره کار" هستند. زنان کارگر علاوه بر کار در کارخانجات و شرکتشان در تولید اجتماعی مجبور به انجام کارهای تحمیق کننده و طاقت فرسای خانگی نیز می باشند. بدین جهت در عرصه تولید زیر ستم و استثمار شدید از جانب سرمایه داران می باشند و در عرصه اجتماعی نیز از حقوق اجتماعی برابر با مردان برخوردار نیستند و از طرف دیگر در خانه زیر ستم فرهنگ پوسیده پدرسالاری می باشند، بدین ستم است که در نظام سرمایه داری برخلاف ظاهر پرهیاهو و تبلیغات دروغین در مورد آزادی زنان و ۰۰۰۰ زنان زیر شدیدترین فشار و استثمار و ستم مضاعف (دوگانه) قرار دارند.

"نیمه مونث بشری تحت رژیم سرمایه داری بطور مضاعف ستم میبرد. زنان کارگر و دهقان به وسیله سرمایه ستم می بینند. اما در عین حال اولاً از بعضی حقوق بدلیل نابرابری قانونی با مردان محرومند و ثانیاً ۰۰۰ آنان در انقیاد خانه بوده و بصورت بردگان خانگی باقی میمانند. زیرا کار پرزحمت و بسیار پست و کمر شکن و تحمیق کننده آشپزخانه و خانه انفرادی خانواده را متحمل میشوند." (لنین - روز جهانی زنان کارگر)

ستم و استثمار و تحمیقی که بر زنان طی تاریخ در جوامع طبقاتی روا رفته باعث گردید که جنبشهای زنان رشد یافته تا راهی به رهائی بیابند، با رشد سرمایه داری و تحت این نظام جنبشهای زنان



۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد

کمیته زنان

داشته به تشکيلات مواداران سازمان چريکهاي فدائي علي ايران - سيستان و بلوچستان
۸ مارس ۱۹۸۵ - ۱۷ آگست ۱۳۳۳

علی

برای احقاقی حقوق خود، برای بدست آوردن آزادیهای اجتماعی، برای رهایی از زیر یوغ استثمار کننده و ستم مضاعف بوجود آمد، جنبش زنان کارگر طی روند این جنبشها از جنبش زنان مرفه و بورژوا جدا گردید و با از بین رفتن رسالت بورژوازی و تسلط امپریالیسم، با جنبشهای سوسیالیستی برای رهایی تمام طبقه و بشریت از یوغ استثمار نظام سرمایه داری و جامعه طبقاتی عجین گردید و پیروزی آن درگروه رهایی کل طبقه قرار گرفت. و رهایی زنان بطور همه جانبه ای با از بین رفتن نظم طبقاتی و طبقات گره خورد و بقول لنین رهبر پرولتاریای جهانی:

" مبارزه برای نفی سرمایه داری و مالکیت خصوصی بر زمین، کارگاهها و کارخانهها میباشد. این است و تنها همین است که راه آزادی کامل و واقعی زن را باز می نماید"
" آزادی واقعی زن تنها با کمونیسم امکان پذیر است."
(لنین - مباحثه با کلارا زتکین)

همانگونه که با دور افتادن زن از کار تولیدی و محصور گشتن وی در چهارچوب کار حقیر خانگی سبب گردید که به موجودی پست و زیر سلطه مرد بوه گردیده، با ورود مجدد زن به کار تولیدی و اجتماعی و رها شدن وی از زیر کار طاقت فرسای خانگی از طریق ایجاد مهدکودکها، شیرخوارگاهها، مسالنه های غذاخوری و رختشویخانه های عمومی می تواند دوباره رهایی خود را باز یابد.

" آزادی زنان آنوقت میسر خواهد شد که زن بتواند در تولید، در یک سطح وسیع اجتماعی شرکت کند، کارهای خانه جز قسمت غیر قابل توجهی از وقت او را نگیرد. این فقط بوسیله صنعت در مقیاس بزرگ ممکن گشته است، که نه تنها فقط اجازه استخدام نیروی کار زنان را بطور وسیع میدهد بلکه جداً طالب آنست و در آنجهت است که بکار خصوصی خانه با تبدیل بیشتر و بیشتر آن بیک صنعت عمومی، پایان دهد."

(انگلس - منشا خانواده، مالکیت خصوصی، دولت)

نقش زنان در انقلابات و دست‌آوردهای آن

نقش زنان در جنبشهای آزادیبخش در جوامع سرمایه‌داری برای اعاده حقوق اولیه خود که در تمامی جوامع طبقاتی تاکنون پایمال شده است بنحوی چشمگیر خود را نمایان ساخته، تولید سرمایه‌داری بر پایه بهره‌کشی از کارمزدوری و استثمار زحمتکشان با برجاست. این جوامع با حفظ بقایای فرهنگ طبقاتی پیشین و با استثمار هرچه بیشتر کارگران و زحمتکشان و بویژه ابقای ستم منافع بر زنان بر مبنای نابرابری جنسی مشخص می‌شوند این ستم بر زنان که در ساخت اقتصادی - اجتماعی جامعه نهفته است، اگرچه از طریق دگرگونی کامل نظام اجتماعی میسر است اما بدون مبارزه متشکل همه جانبه و همگانی و سازمان یافته زنان، نمیتوان به این اهداف جامعه عمل پوشاند نباید فراموش کرد که تغییر زیربنای اقتصادی و نابودی سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم اگرچه شرط لازم اما کافی برای تحقق امر رهایی زنان و برابری کامل موقعیت اجتماعی زن و مرد نمیباشد، زیرا تغییر افکار مسنن عادات و بطور کلی فرهنگ مرسلارانه بطور مکانیکی و به محض تغییرات اقتصادی حاصل نمیشود از همین رو مبارزات دمکراتیک زنان تاکنون در ابعاد گوناگون شکل گرفته است و زنان توانسته‌اند در طی این مبارزات دستاوردهای درخشانی بدست آورند. از جمله مبارزات زنان قهرمان کارگر نساجی آمریکا که طی تظاهرات عظیمی در نیویورک خواهان پایان دادن به قوانین غیرانسانی دوازده ساعت کار روزانه برای زنان و کودکان و تقلیل ساعت کار در هفته و بدست آوردن حق رای زنان مطرح گردید که مورد استقبال سایر زنان انقلابی جهان قرار گرفت و آنان را مجبور کرد که حق رای زنان را به رسمیت بشناسند. چنانکه دو سال بعد در کنفرانس بین‌المللی زنان انقلابی در کپنهاک به پیشنهاد کلارا زتکین این رزمنده خستگی ناپذیر و ثورسین انقلابی جهان که از چهره‌های درخشان سوسیال دمکراسی آلمان بود این روز به عنوان روز جهانی زنان زحمتکش نامگذاری شد. با این هدف که بتواند زنان را برای مبارزه برضد حکومت سرمایه‌داری و برضد نظام پدرسالاری برای رسیدن به سوسیالیسم بسیج نماید. طی این مبارزات زنان آلمان به رهبری کلارا زتکین، روز الوکرا میبورک، پلیبکنخت، فراننتس و میکرینک و با تر توانستند تغییرات عظیمی در شرایط زندگی زنان آلمان بوجود آورند چنانکه در حال حاضر در جمهوری دمکراتیک آلمان ۱۶۵ نماینده از ۵۰۰ نماینده یعنی ۳۵٪ کل نمایندگان زن میباشد (آمار سال ۱۹۷۵) و بطور کلی ۵۰٪ شاغلین امور را زنان تشکیل میدهند از شاگردانیکه در حرفه‌های گوناگون تحصیل مینمایند ۵۰٪ آنها زن هستند بیش از ۵۰٪ دانشجویان مدارس عالی تکنیکی زن میباشد و ۴۵٪ دانشجویان دانشگاهها، از صد نفر زن که کار می‌کنند ۵۲٪ آموزش حرفه‌ای کامل دارند از آمار چنین برمی‌آید همه زنانی که به چنین آموزشی می‌پردازند و دست یافته‌اند، تنها در طی سالهای بعد از پیروزی جمهوری دمکراتیک بوده است. یا در کشور پیروزمند دیگری همچون ویتنام که قبل از پیروزی انقلاب زنان در زیر بدترین فشارها و عقاید پوسیده قرون وسطائی قرار داشتند آنان از ابتدائی ترین حقوق خود محروم بودند چنانکه در سنین کودکی اجبارا بنا به مصلحت قوم و طایفه آنان را به همسری پیر مردان درمی‌آوردند. زنان در بستر مبارزه طبقاتی توانستند تغییرات چشمگیری در موقعیت مادی و سیاسی خود بوجود آورند. با پیروزی انقلاب توانستند در جهت اجتماعی نمودن کارخانگی، مرا - قبت از فرزندان و تغییر در سیستم کار اجتماعی گامهای موثری بردارند، بنائیل انقلابی آنان از قوه به فعل درآید، آنان توانسته‌اند همپای مردان خود در جنگهای چریکی شرکت فعال داشته و همچون رفیق نگوئین دین که بعد از مبارزات دلورانه اش در قیام (سن تیر ۱۹۶۰) به معاونت فرماندهی کل ارتش آزادیبخش ارتقا یافت. طبق آمار موجود نقش نظامی زنان در ویتنام درصد بالایی را تشکیل میداده است. در کلیه مشاغل اجتماعی دیگر زنان توانستند درصد بالایی را به خود اختصاص دهند و در تصمیم‌گیریهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی جامعه شرکت کنند.

به نقل از برنامه عمل سازمان چریکهای فدایی خلق ایران -

لغو هرگونه تبعیض برپایه جنسیت و رعایت کامل حقوق اجتماعی زنان

هیچ انقلابی بدون حمایت و پشتیبانی و شرکت - تنفیج زنان که نیمی از امداد جامعه را تشکیل می دهند به پیروزی قطعی نخواهد رسید و هیچ دمکراسی بدون رفع تبعیض های اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و فرهنگی بر مورد زنان پایدار نخواهد ماند - بنابراین :

- زنان باید از حقوق اجتماعی برابر با مردان برخوردار باشند - هرگونه - تم و تبعیض برپایه جنسیت منتهی خواهد شد -
- زنان باید آزادی در تمام فعالیت های سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی شرکت کنند -
- تمام قوانین اجتماعی مربوط به خانواده نظیر - حلال بکمانیبه ، تعدد زوجات و بیعه باید لغو شود -

- مفرات - حجاب اجباری که ابزار فشار و تحم بر زنان است لغو شود -

- زنان باید در ازاد کار سازی با مردان از حقوق و مزایای کامل و سایر تسهیلات چون غیر حوارگاه

سهد کودک و حق نگهداری و رسیدگی به کودکان در سمل کار و ... برخوردار باشند -

کمیته زنان وابسته به تفکلات مواداران
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - سیستان و بلوچستان
۸ مارس ۱۹۸۵ - ۱۷ اسفند ۱۳۳۳

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک

خلقهای ایران

۸ مارس ...

رژیم ددمنش و کثیف و قرون وسطانی جمهوری اسلامی همراه با تعرض به تمامی مواضع انقلاب به حقوق انسانی و دمکراتیک نوده های زحمتکش ، با سرکوب نیروهای انقلابی به سازمانهای دمکراتیک زنان ، به جنبش انقلابی - دمکراتیک زنان به وحشیانه ترین وجه یورش برده شد . ۱۰ اسفند هشت مارس روز جهانی کارگر را در شرایطی گرامی میداریم که علی رغم سرکوب ددمنشانه رژیم جنبش زنان به شکلهای گوناگون در سطح جامعه ادامه یافته است و نمونه های بارز آن زندانهای مملو از زنان شیردل و مبارز و انقلابی است که روزانه در زیر شکنجه های دیوانه وار مزدوران رژیم حماسه می آفرینند و لب از لب نمی گشایند و تعداد کثیر اعدا میان زن نشانی از حضور فعالانه و دلورانه زنان در جنبش انقلابی می باشد و اعتراضات زنان زحمتکش در ابعاد گوناگون در سفهای گوشت و شیرو نفت و ... در حرکات اعتراضی افسریه و جوادیه و میدان شوش و ... می رود تا همپای انقلاب خلقهای تحت - تم و رنج کشیده کشورمان وارد مرحله نوینی گردد .

این روز تاریخی بر همه زنان مبارز و زحمتکش گرامی باد



وضعیت زنان در جمهوری اسلامی

در تاریخ کهن ایران که همواره با ستم مردسالاری بر زنان همراه بوده است هرگز به جنبش خاص و مستقل برای احقاق حقوق زنان بر نمی‌خوریم و تا طلوع انقلاب مشروطیت به مسئله زنان بشکلی اساسی و جدی برخوردی نشده است. علت این امر واضح و روشن است زیرا که رسالت کشاندن زنان و کودکان به بازار کار و به خدمت گرفتن نیروی کار ارزان آنان بشکل گسترده تنها در حیطه قدرت بورژوازیست و با ظهور این فرمایشیون اقتصادی - اجتماعی شعار برابری زنان با مردان نیز در ابعاد وسیع مطرح شده و در مقابل ارتجاع مذهبی و فئودالیسم فاسد می‌کند. اگرچه با گذاشتن هر قدم به جلو در تولید وضعیت طبقه استثمار شده بدتر شده و در واقع در شرایط زندگی زحمتکشان یک قدم به عقب محسوب می‌شود اما ضرورت‌های عینی و ذهنی برآمده از چنین پیشرفتی قدم‌های بلندی به سوی محور طبقات و سرانجام بلست آوردن آزادی واقعی و برابری بمعنای حقیقی آنان است. بهمین خاطر شعار برابری زنان با مردان همچون شعار آزادی برابری و برابری که ره آورد بورژوازی بود بلحاظ محتوی طبقاتی جامعه سرمایه‌داری همچون دیگر مظاهر فریبنده و سالوس بورژوازی پوک و میان تهی از آب درآمد. یعنی که روشن شد در جامعه سرمایه‌داری برابری برابری میان کارگر و کارفرما تنها یک حیل است آنچنانکه در حیطه برابری زن با مرد چنین بود. بورژوازی بزنان می‌گوید آزادند که چون مردان کارگر نیروی کار خود را بفروشند و به کالا بدل شوند. آزادند که با حفظ کارخانگی به استثمار سرمایه‌داران درآیند و در عمل آنان را برای شکستن دستمزد در بازار و پائین نگه داشتن سطح مزد به بازار فرا می‌خواند. آنان را به طاقت‌فرساترین کارها می‌گمارد اما در مقابل آنان را متشکل کرده ضرورتاً اجتماعاً مورد استثمار قرار میدهد و چنانکه کارگران را در رابطه‌ای نزدیک با هم قرار میدهد زنان را نیز از خانه‌ها به در آورده ضمن حفظ کارخانگی آنان و اختصاص آن به زنان آنان را بزیور مهمیز می‌کشد. بهمین خاطر شعار برابری زن با مرد را میدهد. شماری که در محدوده بازار کار مدافع سرخت‌انست و در عمل نیز می‌بینیم بسا ظهور انقلاب بورژوازمکراتیک مشروطیت برای اولین بار به مسئله زنان بهائی جدی داده میشود و روشنتر که ان این طبقه نخواستند صرف نظر از اهداف بورژوازی به مسئله زنان بشکلی جدی برخورد می‌کنند. ستم‌کنندگی زن و تحقیر تاریخی او مورد نظر جدی تر قرار می‌گیرد و یکی از مظاهر تجدید و نوجویی برخورد به مسئله زنان مسووم میشود. همزمان با زیر صرب قرار دادن فرهنگ و روابط اقتصادی - اجتماعی فئودالیسم جنبش زنان نیز شکل می‌گیرد و زنان مبارز همپای مردان خود اگرچه بشکلی ضعیف تر اما بی‌سابقه در تاریخ ایران مبارزه می‌کنند. تمامی حرکات مسائلات طلبانه زنان قبل از انقلاب مشروطیت در بطن جنبشهای ضد فئودالی یا ضد مذهب حاکم تبلور یافته است و در طول تاریخ اگرچه زنان قهرمانی یافتند که دست به کارهای حماسه‌وار و حتی رهبری حرکات اعتراضی زده‌اند اما هرگز جنبش مستقل زنان در طول تاریخ ایران وجود نداشته است و آنان نتوانسته‌اند تشکل دمکراتیک خاص خود را بنحوی جدی و موثر سازمان دهند. با ناکام ماندن انقلاب مشروطیت جنبش زنان نیز چون دیگر بخشهای جنبش انقلابی به هیچیک از خواسته‌های خود نرسید و همچنان در زیر فشار ارتجاع مذهبی و فئودالیسم عقب ماند. با ظهور دوران نکبت بار پهلوی و نیاز روزافزون امپریالیسم به نیروی کار ارزان زنان رضا شاه قلندر به خواست امپریالیسم زنان را بزور سرنیزه وارد بازار کار کرد و چای برداری را آغاز نمود و کاریکاتوری از آزادی زن را بنمایش گذاشت پس از رفرم ارضی و تفوی سرمایه‌داری وابسته



وضعیت زنان

و برخی رفرمهای اقتصادی - اجتماعی برای تحمیل توده‌ها، مسئله زنان نیز دوباره بشکلی بوروکراتیک و از بالا مورد توجه بیشتر قرار گرفت و پاره‌ای اصلاحات بوروکراتیک در وضعیت زنان ایجاد شد. سرمایه - داری وابسته وضعیت زنان همانطور که سرمایه داری در کل عمل می‌کند بنحوی بارز و بسیار بدتر و فلاکت بارتر است. در سراسر این دوران به خاطر ضعف جنبش مستقل زنان و عدم تشکل و ضعف پرولتاریا که رسالت انقلابات دمکراتیک طراز نوین را دارد و بر تارک دوران نشسته است خنثی از جنبش مستقل و احقاق حقوق و مبارزه خاص زنان بسیار کم بمیان آمده است البته این بدان معنا نیست که زنان در مبارزه

سراسری و مبارزات توده‌های مردم نقشی نداشته‌اند واقعیت اینست که در انقلاب مشروطیت و قیام پرده‌گوشه بهمن ماه ۵۲ زنان بعینه نشان دادند که چه نقش عظیمی در تحولات جامعه و چه پتانسیل بالایی از مبارزه را در اختیار خود دارند و این کلام داهیانه رهبر کبیر پرولتاریا که "هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید" را اثبات کرده و می‌کنند.

با چنین گذشته‌ای و در چنین شرایطی جلاد توده‌ها و دشمن آزادیهای دمکراتیک خمینی مرتجع بسکه حاکمیت می‌رسد و بر اساس حکومت سرمایه داری وابسته ایران می‌نشیند او تلفیقی از ارتجاع کهن منجمبی با دیکتاتوری عریان سرمایه داری وابسته است معنوی که از او هیولائی تاریخی ساخته و بمنشابه عقب - مانده ترین بخش سرمایه در حیطه اقتصادی - اجتماعی عمل می‌کند. بی سبب نیست که همراه با سلب همه آزادیهای برآمده از قیام شکوهمند خلق همان مختصر دست آوردهای زنان را نیز از آنان می‌ربایسد و زنان هنوز از زیر بار اجتماعات شاه ساخته بنام زنان همچون "سازمان زنان" و دیگر ضامن "رستاخیزی آن آورده نشده بودند که تشکلهای فرمایشی و مسخ شده‌ای بنام خواهران حزب الله و زینب و ... ایجاد شد. عقب مانده ترین و مسخ شده ترین زنان را در خود مجتمع کرد زنانی که بر علیه حقوق اجتماعی خود وارد معرکه می‌شوند و اندک اندک و گاه بی‌کبار به یاری حکومت هر آنچه که در طول تاریخ ضرورتا حق مسلم زنان فرض شده نیز از خود و دیگران سلب می‌کنند. در این رابطه امروز جمهوری اسلامی قدمهای سریعی به عقب برمی‌دارد حق طلاق را از زنان سلب می‌کند. تعدد زوجات و صیغه و فحشاء شرعی را متداول می‌کند. در جمهوری تجار عقب مانده زنان حق قضاوت ندارند و حجاب اجباری قلندر دیگری چون رضاخان را تجسم می‌کند که با سرنیزه چادرها را برداشت و خمینی با سرنیزه چادرها را سر زنان می‌کند. لایحه قصاص و محروم نمودن زنان از بسیاری مشاغل. آنان را بمنشابه نصف مرد حساب کردن در شهادت و وقاحت را تا جایی رساندن که حتی اگر جلوی چشمان چندین زن قتلی صورت بگیرد آنان نمی‌توانند شهادت دهند، لغو دادگاههای خانواده که در ظاهر تا حدودی حقوق زن را در خانواده در نظر می‌گرفت. همچنین بارساندن سن ازدواج رسمی به ۱۳ سالگی و در عمل گاه بسیار پائین تر از این سن تا نه سالگی، محدود نمودن مهد کودکها در ادارات و کارخانجات و انحلال بسیاری از آنها، اخراج یا پاکسازی وسیع زنان (جنسی بجرم شاغل بودن شوهرانشان) عدم حق انتخاب شدن بعنوان رئیس جمهور و دیگر مقامات معادلت او به پست‌خانه‌ها و حرسرها و قرار دادن خانه داری بعنوان وظیفه مهم او و در عمل خانه نشین کردن زنان تجاوز به دختران و زنان زندانی تحت عنوان اسلامی "اسیر حربی" و ... ماهیت طبقه حاکمه منجمبی ایران را بنمایش می‌گذارد و پلیدی اخلاقی و - تمگری اقتصادی و انحطاط بی حد و مرز رژیم حاکم تاجانی است که زهد فروشی و ریاکاری و واسطگی بعنوان خصیصه بارز در طبقه حاکم و وابستگان آن عموماً است متمیز کننده‌ای یافته است و کسانی که تجاوز جنسی بعنوان عمل رایج و قانونی آنها محسوب می‌شود صف



وضعیت زنان —————

زنان و مردان را تحت عنوان حفظ اخلاق اسلامی جدا کرده حتی اتوبوسها را زنانه مردانه می‌کنند و چنین کسانی که بدنهای زنان مبارز را لغت و عور بزیر شلاق می‌کشند و پاسداران حریص خود را به جان دختر بچه‌گان زندانی می‌افکنند، زنان را بجرم پیدا بودن مواز کار اخراج می‌کنند.

اینها گوشه‌ای از جنایات رژیم کنونی ایران است که علاوه بر کشتار و خفقان و بی‌خانمانی و فقر و تباهی که در سراسر ایران و برای همه توده‌های مردم تدارک دیده است بر حق زنان اعمال می‌کنند و این ستم مضاعف بر حق زنان که تاریخاً وجود داشته است و امروز به نحو بارزی تجلی پیدا کرده است و یادآور سخت‌ترین دوران زندگی زنان در تاریخ ایران است بقیه ضرورت مبارزه دمکراتیک زنان را هر چه بیشتر نشان داده و تشکل مستقل آنان را ایجاب می‌کند تشکلی که در نبود آن مبارزات خودبخودی زنان بی‌اثر و مایه سوءاستفاده ضدانقلابیون سلطنت طلب و، بعضاً قرار گرفته و خواهد گرفت. تاکید بر تشکل زنان بمعنای جدا کردن آنان از مبارزه طبقاتی نیست بلکه بمعنای تاکید بر مبارزات دمکراتیک آنان است آنان باید در مبارزه طبقاتی شرکت داشته در راستای سرنگونی رژیم حاکم و محور امپریالیسم و حاکمیت طبقه کارگر و زحمتکشان ایران حرکت کنند. امروزه مبارزات زنان در بطن مبارزات توده‌ها از پتانسیل بالایی برخوردار است اما مهر و نشان جنبش مستقل و دمکراتیک زنان را ندارد.

وجود هزاران زن زندانی در زیر سبانه‌ترین شکنجه‌ها و همبای مردان در بطن مبارزات بیرون جامعه و از همه بالاتر در صف پیشروان طبقه کارگر وجود هزاران زن فدائی و دیگر گروههای سیاسی انقلابی نشان میدهد که زنان در مبارزه بشکلی وسیع حضور دارند و داشته‌اند تنها آنچه که باعث شده انشوری از مبارزات مستقل آنان به چشم نخورد بطور کلی بها ندادن نیروهای انقلابی در عمل به تشکل مستقل زنان و ضعف پرولتاریا در تشکل و ... بوده است که خود را در همه عرصه‌ها نشان داده است.

بعلاوه، جو مذهبی حاکم که همیشه توجیهی برای خانه نشینی زنان در طول تاریخ بوده استجوی که آمیخته با خرافات و بنیاد ریاکارانه خود همیشه مبارزین را به اتهام‌های رذیلقه و بی‌روغین متهم ساخته است و بمثابه سدهای جلوی انقلابات و اعتراضات بر علیه طبقه ستمگر تاکنون قذعلم کرده است و بهره‌گیری از مذهب و خرافات برای کوبیدن انقلابیون و بویژه زنان شیوه غالب طبقه حاکم بوده است چنانکه مزدکیان را به جرم اشتراک اموال متهم به اشتراک زنان نیز نمودند و هر وقت که مبارزی از مالکیت اشتراکی سخن می‌گوید این مرتجعین چون زنان را از اموال خود می‌دانند فریاد می‌زنند که زنان را هم می‌خواهند اشتراکی کنند و نفک بر آنان که چنین ستمکاری خود را توجیه می‌کنند و آزادی را که حق زنان است لوٹ کرده چنین پست و انمود می‌کنند اما مبارزه زنان ادامه دارد همبای دیگر بخش‌های مبارزه به پیش خواهد رفت. با در هم کوبیدن این ضعفها راه مبارزه زنان را هموار باید کرد. با درس‌گیری از قیام بهمن ماه مشوراهای قالیبافان ترکمن صحرا، زنان مبارز کرد و حرکات مستقل زنان در افسریه و نظام آباد اگرچه نام جنبش مستقل زنان را هنوز نگرفته اما زمینه‌های مادی برای چنین تشکلی است که در رابطه با طبقه کارگر چنین تشکلاتی ایجاد شود همبای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فریاد می‌زنیم زنان در هر کجا که هستند از کارخانه و مزرعه و اداره و مدرسه شهر و روستا دوشادوش مردان رزم طبقاتی خود را تداوم بخشند. با تشکل‌هتهائی از مبارزترین و آگاهترین افراد ضمن کوشش در راه سرنگونی رژیم تبلیغ وسیع برضد سیاستهای ارتجاعی اشرا سازمان دهند. این وظیفه بدوش زنان پیشرو و همه کارگران و زحمتکشان و مبارزین آگاه و نیروهای انقلابی و کمونیست است.

رفقا! زنان مبارز و آگاه!
برنامه عمل سازمان را الگوی تبلیغات خود در میان زنان زحمتکش قرار دهیم. برای آنان بازگو

نیز خصوصیات نوینی کسب کرده اند. که روابط قبیلہ‌ای را تا حدودی نرم شکسته است. ازدواج‌های نرون گروهی ضربه دیده است. دختران بمدرسه میروند و در پارهای موارد در ادارہجات دولتی شغل اختیار می‌کنند و بسا شوهران خود بر سر ادارہ امور خانوادہ و دخل و تصرف در اموال و املاک به شور یا ستیز می‌پردازند. در این روابط و مناسبات زن کا- ملا به خانہ وابسته میشود و از کار روی- زمین و دامداری بکلی بکنار گذاشته میشود. گرچه در میان زنان عشایر و روستائی، کار بیشتر و غم‌خواری خانہ و دامها و طیور و حیوانات باقی جاذبه‌ای برای مرد بود، اما وقتی که برای زنان خرده‌بورژوازی شهری این امکانات از بین رفته است، زیبایی و تجملات و زرق و برق آنها برایشان بی‌ارزش گردیده و بورژوازی رواج بیشتری یافته است. طلا و جواهر آلات، لباسهای زیبا و رنگارنگ بتهائی شده‌اند که بر اذهان زنان این قشر حکومت میکنند. از سویی دیگر زن اختیار کردن برای مردان با مشکلات فراوانی روبرو است. مخارج ازدواج و مهریه و شیربها فوق العاده بالا رفته است و مردان امکان کمتری می‌یابند تا دو زن اختیار کنند. در مناسبات عشیرتی و روستائی اختیار دو زن از سوی مرد چندان دشوار نبوده و مخارج فراوانی را دربر ندارد. و پیرمردانی را می‌بینیم که دختران جوانی را بازواج درمی‌آورند و گاهی یک مرد در یک لحظه سه زن را با نقیاد خود در آورده است. اما در مناسبات شهری، اغلب ازدواجها با تفاوت سنی خیلی جزئی انجام می‌گیرد و بعلت بالا رفتن آگاهی و دشوار شدن نگهداری دو زن از نظر اقتصادی، مردان ترجیح میدهند، تک همسری را ادامه دهند.

مردان خرده بورژوازی شهری در فرستادن دختران خود بمدرسه تعصب کمتری نشان میدهند از اینرو درصدی از دختران شهری با - مواد میبایزند.

۱- زنان برده :

طوائف قبایل و خانوادہ‌های ممتازی در بلوچستان که از نظر اقتصادی برتر و قدرت

بقیه در صفحه ۱۵

محروم هستند، آنها نمیتوانند بدون اجازه مرد برای خرید و فروش و آنچه‌ای که مالکیت را زیر سؤال می‌برد و بزن نیز حقی میدهد اقدام بکنند. در اینجا نیز مرد نان آورخانه قلمداد شده و زحمات زن بحساب نمی‌آیند.

بعلت اینکه مناسبات حقوقی روستائی هنوز در چهارچوب روستائی حقوقی قبیلہ‌ای میباشد و جمعیت روستاها نیز به قبایل و زاده‌ها تقسیم میشود زنان عشایر و زنان روستائی در بهره‌مندی از حقوقی مشابه هستند. ازدواج‌های نرون گروهی بوده و این مردان هستند که برای پسران خود زن اختیار میکنند. در اینجا حق انتخاب فقط متعلق به مردان یعنی پدر، برادر، عمو و بزرگ قبیلہ داماد میباشد. نزدیکان دختر که با اصطلاح مالکان وی میباشند، در انتخاب خواستگار آزاد هستند و معمولا اولین خواستگار موفق خواهد بود. در مناسبات نرون گروهی ازدواج پسر عمو و دختر عمو و فرزندان خویشان و وابستگان مرسوم است. دختران بهیچ رو نمیتوانند در انتخاب همسر حقی داشته باشند. زنان با ازدیاد سن دارای حقوقی از نظر شخصیتی و مطرح بودن در خانوادہ و قبیلہ میگردند. زنان مسن تر در کارهای خانوادہ نظر میدهند برای خوش آمدگویی مهمانها می‌آیند در معاشرت با مردان قبایل و روستا آزاد هستند.

۲- زنان خرده بورژوازی شهری :

در اثر رشد و تسلط مناسبات بورژوازی در کشور قشری از خرده بورژوازی نویسن در بلوچستان بوجود آمد، و در پی ضربه دیدن تولید سنتی در بلوچستان و هجوم بیکاران به کشورهای عربی و جدائی مردان و زنان از شیوه معیشت قبلیشان بر وسعت این قشر افزوده شد چنانکه امروز درصد عظیمی از جمعیت را خرده بورژوازی تشکیل میدهد. (خرده بورژوازی روستا) چون بیشتر در رابطه با شهر و مناسبات بورژوازی هستند زنان آنان

زن بلوچ

زنان زحمتکش بلوچ نه تنها همانند مردان زحمتکش بلوچ از ستم مضاعف رنج میبرند بلکه از ستمی دیگر بنام ستم جنسی در عذاب هستند. برای اینکه این ستم را ترک کنیم باید وضعیت این ستم را در رابطه با پایگاه طبقاتی زنان بررسی کرد. از اینرو کار زنان بلوچ را به گونه زیر تقسیم بندی می‌کنیم: - زنان عشایر، زنان روستائیی دهقانان، زنان خرده بورژوازی شهری، زنان فئودالها و خوانین، زنان برده، معدم رشید نیروهای مولد موجب شده است که زن بلوچ در تولید شرکت نجوید همین دوری زن بلوچ از تولید است که وی را از نظر اقتصادی نیازمند به مرد و به برده‌ای در دست وی تبدیل کرده است، گرچه رهایی زن در وجه عام در سوسیالیسم ممکن است، اما زنان در جامعه بورژوائی نسبت به دوران فئودالی و عشایری حقوقی بدست آورده‌اند، زنان بلوچ هنوز در روبنای ماقبل سرمایه‌داری زندگی کرده و حقوق آنها بر اساس روبنای حقوقی فئودالی - عشیرتی رقم زده میشود تفکر مسلط اجتماع نسبت به زنان تفکری ماقبل سرمایه‌داری است برای واضح شدن بهتر موضوع زنان را در رابطه با تقسیم بندی بالا بررسی می‌کنیم.

۱- زنان عشایر:

زن قبیله در اثر تکرار مشقات روزانه براحتمی قادر است مشکهای آب سنگینی را تا مقصد با خود حمل کند زیرا که کلیه مشقها و پخت و پزها از این طریق تامین میشود. در این رابطه مردان وظیفه‌ای ندارند، نگهداری و تیمارداشت بچه‌ها از وظیفه زنان میباشد. هر وقت بمردی بخواهند طعنه بزنند بوی میگویند برای نگهداری بچه خوبست مواظبت از طفلها برای مردان خوش آیند نیست دوشیدن بزها و تهیه دوغ و کدک و ریسیدن پشم و بافتن چادر سیاه، بافتن حصیر، از کار مشقت بار و روزانه زنان میباشد. حصیر

بافی و در پارهای موارد گلیم بافی یکی دیگر از منابع درآمد خانواده بحساب میاید که توسط زنان انجام میشود. زنان عشایر بلوچ پایه پای مردان و خیلی بیشتر از آنها کار میکنند، تقسیم کار در خانواده بین زن و مرد بدین صورت است که کارخانگی کلا وظیفه زنان است، بچه‌داری و وظیفه زنان است، بافتن حصیر و گلیم و ... کار زنان است، دوشیدن گوسفند، ان و آماده کردن برای صحرا و گاهی به صحرا بردن و نگهداری از بزغاله‌ها کار زنان است، فروش محصولات، آوردن مواد اولیه حصیر، جمع آوری هیزم و خرید مایحتاج از وظیفه مردان است، علاوه بر آن مرد مالک تمام دارائی خانواده و مالک زن نیز میباشد.

زنان عشایر صد در صد بیسواد هستند، در اثر بدی بهداشت و کمبود تغذیه و کار فوق العاده و شاق بیش از دو برابر سن واقعی را نشان می‌دهند، آنان اکثرا زود پیر میشوند و عمرشان کم است. زن عشایر در کارهای روزمره خانواده دخیل است و نقش بزرگی را ایفا می‌کند.

۲- زنان روستائی (دهقان):

بعلمت و ابستگی روی زمین و کار مشقت بار و طاقت فرسای کشاورزی، زنان بیشتر به خانه وابسته شده‌اند، مردان در حفر قنات و حفر جوی و بهره‌برداری از آب چشمه‌ها و شخم زمین و نگهداری درختان و سبزه‌ها مهارت بیشتری کسب کرده‌اند، و زنان به انجام کارهای خانه و نگهداری طیور و دامهای خانگی و مواظبت از بچه‌ها و خدمت مردان کشیده شده‌اند، گرچه آنان در مزرعه با مرد همکاری زیادی دارند، اما کارهای مهم در دست مردان می‌باشد. زن در جمع آوری محصول در جمع نمودن علوفه به مرد کمک میکند اما این زنان نیز از اقدام مستقل در فروش محصولات

افتخار



مرضیه احمدی اسکوشی

من مادرم ،
 من خواهرم ،
 من همسری مادقم
 من يك زنم ،
 زنی از نهكوره های مرده جنوب ،
 زنی که از آغاز ،
 با پای برهنه ،
 دویده است سر تا سر خاک تف کرده ی
 دشت ها را ،

دشت

من از روستا های کوچک شمالم ،
 زنی که از آغاز ،
 در شالیزار و مزارع چای ،
 تا نهایت توان گام زده است ،

کوچه

من از ویرانه های دور شرقم ،
 زنی که از آغاز ،
 با پای برهنه ،
 عطر تند زمین را
 در پی قطره های آب در نور دیده است .

دشت

زنی که از آغاز ،
 با پای برهنه ،
 همراه با گاو لاغرش در خرمنگاه ،
 از طلوع تا غروب ،
 از شام تا بام ،
 سنگینی رنج را لمس کرده است .

کوچه

من يك زنم ،
 از ایلات آوارهی دشتها و کوهها ،
 زنی که کودکش را در کوه بدنیا می آورد ،
 و بزش را در پهنه دشت از دست میدهد
 و به عزا می نشیند ،

دشت

من يك زنم ،
 کارگری که دستهایش ،
 ماشین عظیم کارخانه را به حرکت در می آورد ،
 و هر روز ،

توانا نیش را دندانهای چرخ ،
 ریز ریز می کنند پیش چشمانش
 زنی که از عصاره ی جانش ،
 پروار تر مهیود لاشه ی خونخوار ،
 و از تباهی خودش ،

افزونتر می شود سود سرمایه دار ،
 زنی که مرادف مفهومش ،
 در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود شما
 وجود ندارد .

که دستهایش سپید ،
 قامتش ظریف ،
 که پوستش لطیف ،
 و گیسوانش عطر آگین باشد .

من يك زنم ،
 با دستهایی که ،
 از تیغ برنده‌ی رنجها ،
 زخم‌ها دارد .
 زنی که قامتش از نهایت بیشرمی شما
 در زیر کار توان فرسای ،
 آسان شکسته است ،
 زنی که پوستش آئینه‌ی آفتاب کویر است .
 و گیسوانش بوی دود می‌دهد .

من زنی آزاده‌ام ،
 زنی که از آغاز ،
 یا بپای رفیق و برابر خود ،
 نشت‌ها را در نور دیده است .
 زنی که پرورده است ،
 بازوی نیرومند کارگر ،
 و دستهای پر قدرت دهقان را ،
 من خود کارگرم ،
 من خود دهقانم ،
 تمامی قامت من نقش رنج
 و پیکرم تجسم کینه است .
 چه بیشرمانه است که بمن می‌گوئید ،
 رنج گرسنگی ام خیال ،
 و عربانی تنم رویا است ،

من يك زنم ،
 من يك زنم ،
 زنی که مرادف مفهومش ،
 در هیچ جای فرهنگ ننگ‌آلود شما
 وجود ندارد .
 زنی که در سینه‌اش دلی ،
 آکنده از زخم‌های چرکین
 خشم است .
 زنی که در چشمانش ،
 انعکاس گلرننگ گلوله‌های آزادی
 موج می‌زند .

زنی که دستانش را کار ،
 برای گرفتن سلاح پرورده است .



حول برنامه عمل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

متحد شویم

بپا خیزیم

جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم

جمهوری دموکراتیک خلق را مستقر سازیم

برای برقراری صلحی دموکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

زن بلوچ ...

هم قبل از آنست که این حقوق ناچیز توسط جمهوری اسلامی تاراج شود بطوریکه امروزه زنان به نهم سال قبل کنیده شده اند مخلص آنکه امروزه روبنای ماقبل سرمایه داری در مقابل توسعه مناسبات سرمایه داری نمی تواند مقاومت چندانی بکند و درهم می پاشد، اما بازم این توسعه و رشد هیچ مسئله ای از زنان را حل نمی کند و زنان همچنان در زنجیر باقی هستند فقط و فقط تغییر انقلابی مناسبات سرمایه داری و ماقبل سرمایه داری و جایگزینی مناسبات پرولتری قادر است بطور کلی مسئله زن را حل کند، اما این امر نافی آن نیست که در شرایط سرمایه داری نیز برای دستیابی و رفع تبعیض جنسی از زنان مبارزه نشود و باید این مبارزه را هرچه شدیدتر پیش برد.

خود را از دست داده بود از میان رفت مابقی برای این در جنگ و ستیزهای قبایل برای برقراری صلح دختران وجه المصلحه قرار می گرفتند. امروزه در میان عشایر هنوز این قانون عمل می کند، اما ضعیف، قبل از حاکم شدن دولت بر بلوچستان و بوجود آمدن دادگاههای دولتی این قانون برای رفع اختلافات بشدت عمل می کرد.

اختیار چند همسر، و یا به همسری گزیدن يك دختر کم سن و سال از سوی يك پیر مرد پدیده ای عادی و روزمره محسوب میشود. با توسعه مناسبات کالائی و بورژوازی و سخت شدن زندگی از سوئی و وضع قانون حمایت خانواده از سوی دیگر از میزان اینگونه روابط بین زنان و مردان کاسته شد البته این مسئله

زن بلوچ

ی اجتماعی و حق انتخاب همسر و ... نیز محروم هستند . اما آنها آنقدر رفاه و ... دارند که این نوع آزادیها برایشان تعیین کننده نیست اما بهیچ رو دست به سیاه و سفید نمی زنند . دارای حق مالکیت هستند ، مستقلاً می توانند برای خرید و فروش و ... اقدام کنند .

دیدگاه مردان بلوچ نسبت به زنان

دید مرد نسبت به مسئله زن دیدی است عشیرتی و فئودالی که آغشته به تعلیمات شدید مذهبی می باشد . مرد زن را موجودی ناقص و نصف مرد میدانند ، وی را وسیله ای برای آسایش مرد و بچه زائیدن و نگهداری خانه و تهیه کننده خوراک میدانند ، مرد وقتی میشوند زن حامله اش دختر زائیده خوشحال نمیشود و گاهی که فرزندان یک مرد پی در پی دختر میشوند او نگران است ، اما برای تولد پسر گوسفند می کنند و شادی می کنند زنی که برای شوهرش پسر بزاید از احترام بیشتر برخوردار میشود ، مرد بخودش حق میدهد چندین زن را در قید خود درآورد و یا یک زن را بدون کوچکترین پریشانی با چند بچه رها کند .

درهم پاشی مناسبات ماقبل سرمایه داری و تاثیر

آن روی زنان

با توسعه و رشد مناسبات بورژوازی ، مناسبات تولیدی ماقبل سرمایه داری نیز ضربه دیده و تا میزان زیادی رو به اضحلال است . تولید کالائی همه جا مسلط گشته است ، این تسلط چون با تغییر انقلابی مناسبات تولیدی ماقبل سرمایه داری همراه نبوده و بصورت بطنی آرام و بصورت فرمهایی از بالا انجام گرفته است روبنای ماقبل سرمایه داری به حیات خود ادامه داده است و هنوز تفکر غالب در پاره ای موارد بخصوص فرهنگ و دیدگاه روی مسئله زنان میباشد . با رشد مناسبات سرمایه داری گرچه زنان از حقوق شناخته شده بورژوازی بهره ای نزیافتند ، اما پاره ای از قوانین ماقبل سرمایه داری چون ضرورت وجودی

سیاسی را بر دست داشته اند ، از حق برده داشتن نیز برخوردار بوده اند ، زنان این سران قدم نیز از حق داشتن برده بهره مند بوده اند ، زنان برده از هیچ حقوق اجتماعی بهره مند نبوده اند ، آنان خدمتگزار صرف زنان فئودال ، مسئول نگهداری بچه های خوانین و سردارها ، مسئول آشپزی و خدمت خانه و بستن لباس اربابان بوده اند . بزحمت میتوان برای این زنان حقوقی قائل شد فقط در یک جمله حالت آنان را میتوان چنین بررسی کرد : زنان برده از هیچ حقوق انسانی برخوردار نبوده و نیستند ، البته امروز به وسعت وسیعی زنان و مردان برده آزاد شده اند . اما هنوز هر کجا خانی وجود دارد چندین برده نیز دارد . در اجتماع قبیله ای و هنوز هم در فرهنگ عشایری قبایلی وجود دارند که از نظر نژادی پائین تر بحساب آورده میشوند و از دواج با این قبایل بندرت انجام می گیرد .

این شمائی از حقوق و شیوه زندگی زنان زحمتکش بلوچ بود این زنان بطور کلی علی رغم اختلافات قشری و طبقاتی در خطوطی از قسم مشترک می باشند و این خطوط عبارتست از :

- ۱- نداشتن حق مالکیت مستقل بغیر از مهریه و ارثیه ، که آنها در اختیار مرد میباشد .
- ۲- نداشتن حق انتخاب همسر و نداشتن حق طلاق
- ۳- نداشتن حق سفر .
- ۴- محروم بودن از دخالت در وظایف مرد .
- ۵- در مالکیت مردان قرار داشتن .
- ۶- محروم بودن از معاشرت اجتماعی .
- ۷- وابسته بودن به خانه و مسئول نگهداری بچه و انجام کارهای خانگی .

۵- زنان خوانین :

زنان خوانین در رفاه و ناز و نعمت میزینند ، آنان برای خود کنیزانی دارند که تمامی کارهای خانه را انجام میدهند ، زنان خوانین فقط امر و نهی میکنند ، آنان از سر تا ناخن مزین به جواهر آلات و انواع و اقسام زنگوله طلائی هستند . از نظر آزادیها-

نقش زنان ...

در بولیوی نیز زنان علیرغم نظرات همسرانشان که آنها را فقط بردگان خانگی میدانستند و مانع از دخالت آنها در امور سیاسی میشدند زمانی که همسرانشان یعنی کارگران معدن بولیوی به زندان افتادند یکپارچه به طرف زندان حرکت کرده و خواستار آزادی همسرانشان شدند و پس از آن بود که کمیته رزمنده زنان خانه دار تشکیل شد. بدیهی است در ابتدا این مردان ستمدیده از ترك لزوم درگیری کامل زنان در مبارزات آزادیبخش ناتوان بودند. اما زنان در عمل نشان دادند که می توانند در مبارزات انقلابی جامعه شرکت کنند و نشان دادند که شرکت آنها در انقلاب ضرورتیست تاریخی. چنانکه رهبر کبیر پرولتاریا لنین می گوید: "هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید" و این نظریه خط بطلانی است بر نظرات فمنیستهای که تلاش می نمایند تا بین این دو مخط مرزی کشیده و جنبش زنان را از جنبش انقلابی توده ها جدا سازند، آنان از ضرورت بسیج زنان در پیوند با طبقه کارگر چشم می پوشند و به آزادی زنان در متن کامل آزادی کارگران و زحمتکشان باور ندارند و تشخیص نمیدهند که زنان آزادی خود را تنها در روند مبارزه برای سوسیالیسم می توانند بدست آورند و تنها به مسائل فرعی زنان می پردازند. دمیتلا یکی از سازماندهندگان برجسته و مبارز بولیوی در اعتراض به فمنیستها می گوید: "من و شما از کدوم تساوی، از کدوم مسائل و مشکلات مشترک می تونیم حرف بزنیم، وقتی میون ما اینهمه اختلاف زندگی، اختلاف فکر، اختلاف سطح هست چپی داریم که بهم بگوئیم" در پی چنین اندیشه ای زنان بولیوی آموختند که هیچگونه مسائل مشترک بین زنان زحمتکش و زنانیکه در قصرهای مجلل می نشینند نمی تواند وجود داشته باشد و مبارزه آنان نه با مردها بلکه برعلیه دشمن مشترک تمامی زحمتکشان و فرهنگ آن است. اینگونه بود که زنان بولیوی دلیرانه همدوش مردان کارگر برعلیه سرمایه مبارزه کردند و یکمدا فریاد برآوردند، بولیوی فقط وقتی آزاد خواهد بود که یک کشور سوسیالیستی بشود. هم اکنون نیز زنان در تشکلهای خود علیرغم کودتاها و فعل و انفعالات بسیار، زیر پدیدترین سرکوبها و خستونتها پیکار می کنند.



آنا ماریا



دورا ماریا تلر DORA MARIA TELLEZ

نقش زنان ...

انقلابات پرولتری در سراسر جهان زبانه می‌کشد، در هر گوشه‌ای از جهان این زنان و مردان زحمتکش و پیشروان آنان هستند که علیه هرگونه استثمار و استبداد می‌جنگند، در السالوادور نیز زنان و مردان رزمنده برای آزادی میهنشان از چنگال امپریالیسم هر روز ضربات تازه‌ای به این رژیم ددمنش وارد ساخته و هر روز زنان بیشتری به مبارزه کشیده میشوند، زنان در تمامی شئون فعالانه شرکت میکنند. رفیق آنامارتینز از کشوری به کشور دیگر می‌رود تا انقلاب سرزمینش را به جهان‌نیان بشناساند و بگوید علی‌رغم تجهیز شدن هرچه بیشتر دولت‌ها و انقلابی‌ها، السالوادور هرروزه به تعداد انقلابیون افزوده شده و زنان بیشتری به انقلابیون می‌پیوندند. رفیق آناماریا با نقش برجسته و انقلابی خود، با توان، پشتکار و فداکاری بی‌سابقه‌اش جز زنانی است که به سمت فرماندهی ارتش آزاد پیش‌ناتل آمده است و نه تنها الهام بخش تمام زنان مبارز و مترقی در سراسر جهان می‌باشد بلکه افتخار جنبش ضد امپریالیستی جهانی است. با آزاد شدن هرچه بیشتر خاک السالوادور از چنگال امپریالیسم و مزدوران بومی‌اش و بمباران آمدن ناقوس مرگ امپراطوران سرمایه در آمریکای شمالی هرروزه امپریالیسم آمریکا نسبت به وحشیگری و جنایت می‌زند در پی آن است که رفیق آناماریا توسط نوکران آمریکا به شهادت می‌رسد تا به خیال امپریالیسم برای مدتی بتواند از انقلاب در این کشورها جلوگیری نماید. آنها نمیدانند با افتادن سلاح آناماریا هزاران زن مبارز، همپای دیگر مبارزین سلاح را بر دوش گرفته و تا آخرین قطره خونشان با این حامیان سرمایه، با این فرهنگ منحط و پوسیده بورژوازی خواهند جنگید. باید که با توان بی‌پایان این انقلابیون، السالوادور نیز از چنگال امپریالیسم آزاد و زنان السالوادور هم سرمشتی چه به لحاظ زندگی و چه به لحاظ مبارزه برای دیگر زنان جهان باشند.



آنا مارتینز (۱۹۵۳ -)

دمیتلا
زنی از معادن
بولیوی

نکووبین دین (۱۹۳۰ -)

نقش زنان ...

طی این بررسی اجمالی توانستیم گوشه‌ای از شرکت زنان دلاور و انقلابی را در جنبش‌های توده‌ای - نشان نعیم، آری زنان رزمنده در سراسر جهان میروند تا همپای مردان هم طبقه خویش منشا تمامی فقر و فلاکت‌های اجتماعی، استثمار و ستم دوگانه را نابود ساخته و جامعه‌ای عاری از ستم و گرسنگی و بی‌خانمانی مجامع‌ای که زنی بدلیل زن بودن مورد تحقیر واقع نگردد، بنا نهند. دستاوردهای زنان در انقلابات پیروزمند نوید بخش تمامی زنان و مردان زحمتکش می‌باشد. همراه با اقدامات سوسیالیستی از قبیل اجتماعی کردن وسایل تولید و شرکت هرچه بیشتر زنان در تولید اجتماعی در کشورهای ازبند رسته زمینه مادی از بین رفتن ریشه‌های ستم مضاعف بر زنان فراهم آمده است. یکی از گام‌های اساسی در محور ستم‌کنیدگی زنان عمومی کردن کار خانگی می‌باشد که در این کشورها قدم‌های استواری در این جهت برداشته شده است چنانکه در کوبا شرکت مردان در کارهای خانگی بصورت قانون تصویب می‌گردد. ایجاد تسهیلاتی در این راستا از قبیل ایجاد مهدکودکها و شیرخوارگاهها در محل کار سبب می‌شود که زنان بتوانند با آرامش خیال از جانب فرزندان خود در امر تولید شرکت مستقیم و فعال جویند. در کشورهای از بند رسته انسانی‌ترین قوانین در جهت رفع این تضیقات وضع گردیده از قبیل مرخصیهای طولانی با حقوق دوران بارداری که سلامت زنان و کودکان سازنده فردای زیبای سوسیالیسم و کمونیزم را تضمین میکند. با منع قانونی کارهای سنگین و زیان آور برای زنان که باعث لطمه زدن به سلامت آنان میگردد. پیکره آنان از زیر بار معائب طاق‌نرهای کارهای شاق رها خواهد شد و با آزاد شدن کارگران و زحمتکشان از زیر یوغ استثمار امپریالیسم نیسی از جمعیت جهان آزاد خواهد شد. دیر نیست آن روز، بپاخیزیم، متحد شویم با قیام مسلحانه و برپائی اعتصاب عمومی سیاسی بساط ننگین جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا را از ایران برکنیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

وضعیت زنان ...

کنیم که کمونیستها گذشته از خواسته‌ها و اقدامات عمومی انقلابی در رژیم و آلترناتیو انقلابی مورد نظر خود اقدامات ویژه‌ای برای زنان در نظر دارند. برای توده‌ها توضیح نعیم که حق و حقوق زنان بویژه خواسته‌های زنان انقلابی چیست و برای چه خواسته‌هایی بوده است که هزاران شهید زن اکنون بر تارک این این مبارزه می‌درخشند، زنانی چون مرزیه احمد اکوئی

زنان و مردان انقلابی!

با تشکر رسد. ما هم زنان بر علیه بیدادگری سرمایه و فرهنگ منحل طبقاتی آن بپاخیزیم با تدارک قیام مسلحانه و اعتصاب عمومی سیاسی جمهوری اسلامی را سرنگون و جمهوری دمکراتیک خلق را بپا کنیم. جمهوری‌ای که در آن واقعا حقوق تمامی زحمتکشان و بویژه زنان تامین خواهد شد.

سپه‌های زن بلوچ

زنی چهارده ساله است. زنی که فقر و فلاکت سوء تغذیه و رنج کار قیافه تکیده‌اش را بی‌سار من تر از آن چه هست نمایان می‌سازد. قیافه‌ای که رنج سالها ستم و محرومیت را با خود همراه دارد. زنی که در سنین کودکی پدرش را از دست می‌دهد و پدر بزرگ زحمتکش وی و خواهرش را با فقر و تنگدستی بزرگ می‌کند. دختری که هنوز روزهای پرشور جوانی‌اش را آغاز ننموده با اجبار به همسری پیرمردی ۵۰ ساله برمی‌آید. مردی که پیش از این به خواستگاری مادر بیوه‌اش آمده بوده است. او نیز مانند تمامی زنان محروم بلوچ نمی‌توانست اعتراض و یا کوچکترین سخنی بگوید و به ناچار محکوم به قبول این زندگی زجرآور و کشنده بود. علی‌رغم سن کم کودکان زیادی دارد. شوهرش به دلیل پیری قادر به کار نیست، با چند گوسفند و تکه زمینی گذران می‌کنند او با دستهای استخوانی و لاغرش چندین ساعت از روز روز را ماهرانه به دوختن دست‌دوزیهای ظریف می‌پردازد تا قسمتی از هزینه خانواده را تامین نماید. همراه شوهرش به باغ می‌رود، علف می‌چیند، محنتی در شخم زدن و درو کردن و کاشتن نیز شریک می‌شود. خم شدن‌های دائمی بر روی پارچه و سوزن باعث گشته بچار سرد رنهای شدید گردد و گرسنگی مداوم هیكلش را بیش از پیش تکیده کرده است. زایمانهای پی در پی بدون کوچکترین امکانات درمانی و پزشکی او را کاملاً درهم شکسته است. او مانند اکثریت زنان بلوچ از حق باسواد شدن محروم بوده است و فرهنگ عقب مانده جامعه بر پا هایش بندهای محکمی تنیده است. به طوریکه افکار عقب مانده و مذهبی‌اش و فشارهای همسر به او این اجازه را نمی‌دهد که دست به کوچکترین کاری بزند و یا از خانه بیرون رود و یا حتی غذا بخورد. این سرنوشت محنوم تمامی زنان محروم و زجر کشیده و زحمتکشی است که علاوه بر کار طاقت فرسا و استثمار شدید از جانب فرهنگ عقب مانده و پوسیده مردسالاری نیز در فشار و تنگنا قرار گرفته‌اند. در کنار انبوه عظیم زنان محروم، زنانی دیده می‌شود که در ناز و نعمت بسر می‌برند، زنان خوانین، که سرهایشان از سنگینی برها "فرو افتاده است. زنانی که غرق در طلا و لباسهای دست‌دوز، شمره کار و رنج زنان محروم است ولی با وجود امکانات رفاهی بی شمار اینان نیز به نوعی از ستم مردسالارانه رنج می‌برند، بطوریکه شوهران آنها چندین زن برمی‌گزینند و همه را در بند خود نگه داشته و به آنان حق هیچ گونه کار و استقلالی را نمی‌دهند، اینان نیز از حق باسواد شدن محرومند، و حتی حق ظاهر شدن در انتظار عمومی را ندارند. کلا این سرنوشتی است که در انتظار تمامی زنانی است که در جامعه‌ای پهلغاتی متولد می‌شوند، در جامعه‌ای که زن را با دیدی پست می‌نگرند و او را موجودی حقیر می‌پندارند. بدین گونه مبارزه برای رفع این ستم دوگانه، برای رفع تبعیضات که بر پایه جنسیت اعمال می‌شود، تمامی زنانی را که به گونه‌ای زیر این ستم قرار دارند در برمی‌گیرد.

هیچ جنبش حقیقی توده‌ای، بدون شرکت

زنان، نمی‌تواند وجود داشته باشد

به نقل از کار شماره ۱۶۵

رفقا! زنان مبارز و آگاه!

برنامه عمل سازمان را الگویی تبلیغات خود در میان زنان زحمتکش قرار دهید و به آنان نشان دهید که کمونیستها گذشته از خواستهها و اقدامات عمومی انقلابی در رژیم و آلترناتیو انقلابی مورد نظر خود چه اقدامات ویژه‌ای برای زنان در نظر دارند.

رفقا! زنان مبارز و آگاه!

برنامه عمل سازمان گذشته از خواستهها و اقدامات عمومی انقلابی در جمهوری دمکراتیک خلق بعنوان رژیم و آلترناتیو مورد نظر خود خواستههای ویژه زیر را برای زنان مطرح کرده است.

- حقوق اجتماعی برابر با مردان، لغو هرگونه ستم و تبعیض برپایه جنسیت.
- حرکت آزادانه زنان در تمام فعالیتهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.
- لغو قوانین ارتجاعی مربوط به خانواده، نظیر حق طلاق یکجانبه، تعدد زوجات و صیغه و ...
- لغو مقررات حجاب اجباری که ابزار فشار و ستم بر زنان است.

- برخورداری از حقوق و مزایای کامل (و مساوی با مردان در ازای کار مساوی و سایر تسهیلات چون شیرخوارگاه، مهدکودک و حق نگهداری و رسیدگی بکودکان در محل کار و ...)

بایستی که ضمن سازماندهی و پیشبرد مبارزات زنان زحمتکش برعلیه ستمی که بر آنان اعمال میشود و حول خواستههای کنونی آنها، مبارزات آنان را بمبارزه حول خواستههای مطروحه در برنامه عمل سازمان ارتقا داده و به پیشرانند. البته برای زنان جهت خلاصی از ستم وحشیانه‌ای که بر آنان اعمال میگردد راهی جز قطعیت بخشیدن به انقلاب مجز به پیروزی رسانیدن انقلاب پیش رو نیست. زنان تنها آنگاه رها میگردند که انسانها رهاگردند، پایان بخشیدن به ستم دوگانه اعمال شده بر زنان تنها آنگاه میسر است که استثمار قانونیت خود را از دست بدهد و چپاول انسانها از رسمیت بیفتد و از ایتروست که زنان باید در عین مبارزه بر حول خواستههای دمکراتیک خود برگرد محور طبقاتی مبارزه و به دور پرچم سرخ پرولتاریا متشکل گردند و مبارزه را تا سرنگونی انقلابی رژیم، برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و حرکت در راستای استقرار سوسیالیسم و کمونیسم تداوم بخشند.

اما، از سونی فراموش نکنیم که بدون زنان که نیمی از انسانها را تشکیل میدهند، هیچگاه به موفقیت دست نخواهیم یافت تبلیغ کمونیستی و انقلابی در میان زنان زحمتکش را گسترش دهیم و مبارزات آنان را سازمان دهیم و سخن لنین را همواره الگوی راه خود سازیم که:

" هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید . "

شبه
کار

ارگان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

ما بخوانید

نابود باد امپریالیسم
جهانی بسرکردگی امپریالیسم
امریکا و پایگاه داخلیش

ویژه نامه برخی شهدای زن از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

گرامی باد

یاد همه شهدای فدائی

یاد همه شهدای گمنام خلق

یاد همه شهدای انقلابی زن در طول تاریخ

به نقل از کار شماره ۱۶۵

رفقا! زنان آگاه و مبارز!
وظیفه‌ای سنگین بر دوش ماست تا با کار در میان توده‌های زن آگاهیهای سیاسی و اجتماعی شان را ارتقا بخشیم. عقب ماندگی فرهنگی و سیاسی توده‌های زن سابقه تاریخی دارد و این بار مسئولیت افزون تر میکند. فراموش نکنیم جنبش انقلابی میهنمان نیازمند کثاندن شدن زنان بعرضه مبارزه است. البته وجود هزاران زن مبارزی که در زندانها هستند و یا به جوخه مرگ سپرده شدند نشان از مبارزه و شرکت وسیع زنان در مبارزه است و لیکن ما باید توده‌های وسیع زنان زحمتکش را به مبارزه است و لیکن ما باید توده‌های وسیع زنان زحمتکش را به مبارزه برکشیم. برای اینکار بایستی که به کار تبلیغی وسیعی در میان زنان کارگر و دهقان همت گماشت و آگاهی‌های سیاسی‌شان را ارتقا بخشید. ولی رفقا کثاندن هرچه کثانده تر زنان بعرضه مبارزه انقلابی تنها با کار در میان زنان به انجام نمیرسد بقول لنین: " کار کمونیستی و سیاسی ما در میان توده‌های زن مستلزم بخش عمده کار تربیتی در میان مردان میباشد. باید نقطه نظر گذشته را که مربوط به دوران بردگی است در توده‌ها و حزب ریشه کن سازیم. "

فراموش نکنیم اهمیتی که ما به جنبش زنان زحمتکش میدهیم و جنبش که تنها در پیوند تنکا تنک با جنبش انقلابی تمامی کارگران و زحمتکشان معنی و مفهوم انقلابی خواهد یافت صرفا با پذیرش لفظی این مسئله بجائی نخواهد رسید و هنوز به معنای پذیرش واقعی و عمیق این ضرورت نیست.



فدائی شهید صبا بیژن زاده
 در سال ۱۳۲۲ در مراغه به دنیا آمد.
 او به همراه رفقای فدائی حمید اشرف و مرضیه
 احمدی اسکوشی به مبارزه با شاه و حکومت
 سرمایه داران پرداخت و سرانجام در تاریخ
 ۸ اسفند ۱۳۵۵ در درگیری مسلحانه با عوامل
 رژیم شاه در خیابان کرمان شهادت رسید.
 پادش گرامی باد

فدائی شهید فریبا شفیمی
 فریبا شفیمی گیلکجانی در سال ۱۳۴۳
 در رامسر در خانواده‌ای کارگری بدنیا آمد.
 فعالیت انقلابی خود را از دوران راهنمائی
 در مدرسه هخامنش شروع کرد و با فروزان
 شدن عملیات انقلاب با شرکت فعال در قیام
 شکوهمند مردم تجربه‌ها اندوخت و با حاکم
 شدن حکومت ضد خلقی خمینی همراه با صف
 پرولتاریا به مقابله با او پرداخت و
 سرانجام در ۲۲ شهریور بدست مزدوران خمینی
 دستگیر و به اوین برده شد و تحت شدیدتر-
 بین شکنجه‌ها قرار گرفت و روز سیزده مهر
 درست روزی که به مادرش وعده کرده بودند
 برای خیراز او برود به جوخه‌های اعدام
 سپرده شد یاد او و ایمان ترگش چراغ راه
 میلیونها زن تربند ایران است و میلیونها
 زحمتکش زیر وختیانه ترین استعمارهای قرون
 وسطائی طبقه حاکم ایران امروز یاد او را
 در قلبهایشان زنده نگه میدارند.

گرامی باد خاطره شهدای بخون خفته خلق

خاطره

فدائی خلق

شیرین فضیلت کلام

گرامی باد





رفیق شهید فدائی خلق مرضیه احمد اسکوتی
 درد آشنای خلق بود و با نیروی عظیم
 و عشق انقلابیش در شناخت خلق و معانی
 و مشکلات طبقات محروم جامعه کوشش می کرد
 و چون موجی عظیم در دریای مبارزه طبقاتی
 بهر شکلی که می توانست به رژیم سرسپرده -
 شان ضربه میزد در دانشجویی و آموزگاری
 که در مبارزه حرفه ای و مخفی اش همواره -
 ارکان قدرت حاکمه سرمایه داران را متزلزل
 می کرد *

درد آشنای خلق بود و رنج ها و مشقت
 آنان را بنزیر سلطه سرمایه در شعر و قصه
 نمایان می کرد اما این برایش کافی نبود
 موج نا آرامی بود که باید بکوبد و درهم
 بریزد نظم طبقاتی را از اینرو بدربسای
 بیگران جنبش مسلحانه خلق پیوست و زندگی
 پرشور انقلابی خود را بمثابه رودی بسوی
 دریا آغاز کرد و اسلحه بدست گرفت و بسا
 روحیه سرسخت و مقاومتش از منافع خلق به
 دفاع پرداخت و زندگی اش را به تمامی در
 راه دفاع از آرمان کارگران و زحمتکشان
 نهاد و سرانجام در ششم اردیبهشت ماه سال
 ۱۳۵۳ در نبرد رویاروی با دشمن دلیرانه
 جنگید و قهرمانانه شهید شد * و بدین سان
 زن شاعر و نویسنده و انقلابی ایران بسا
 صلحا فدائی دیگر ستاره ای سرخ شد بر تارک
 جنبش زنان و پرولتاریای ایران *

یانش گرامسی باد

رفیق فدائی شهید مریم نژاد گاه
 در دیماه ۶۰ در اوج خفقان رژیم
 خمینی در شهر اراک هنگام پخش اعلامیه
 دستگیر و پس از تحمل ۱۰ ماه شکنجه در حر -
 گاه چهارم آبان ۶۰ با وفاداری به آرمان
 کارگران و زحمتکشان به جوخه های اعدام
 سپرده شد *

رفیق مریم در قلب توده ها جای داشت
 چه آنگاه که نماینده نخران و کانسون
 معلمان بود و چه آن زمان که از آموزش و
 پرورش تصفیه شد و روستائیان با اعتراض
 خواهان برگشتن به آموزش و پرورش بودند *

یانش گرامسی باد



فدائی شهید
 زهرا فرمانبردار

نشریه

رنگای گمل

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

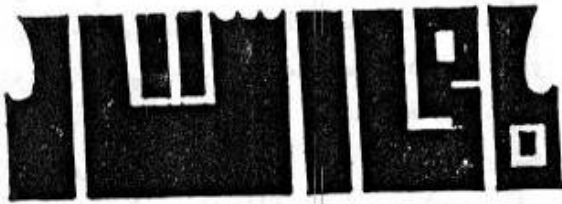
شماره نخستین

را به خوانند

گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق زهرا
 بیست شهری



رفیق فدائی فاطمه محمدی
 بدست مزدوران جمهوری
 اسلامی در ۲۶ بهمن ۱۳۶۱
 اعدام گردید .



نفریه مواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 بینان و بلوچستان

را بخوانید

گرامی باد خاطره



فدائی

خلق طاهره خرم

گرامی باد خاطره



فدائی

خلق فاطمه حسینی

The first part of the paper is devoted to a discussion of the general principles of the theory of the structure of the atom. It is shown that the structure of the atom is determined by the laws of quantum mechanics, and that the structure of the atom is determined by the laws of quantum mechanics.

Year	1913	1914	1915	1916	1917	1918	1919	1920
1913	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0
1914	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0
1915	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0
1916	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0
1917	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0
1918	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0
1919	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0
1920	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0

The second part of the paper is devoted to a discussion of the general principles of the theory of the structure of the atom. It is shown that the structure of the atom is determined by the laws of quantum mechanics, and that the structure of the atom is determined by the laws of quantum mechanics.

مبارزه زنان در مقابل قوانین و حثیانه و ضد انسانی رژیم تاکنون تنها شکل خودانگیخته و بی سازمان داشته است. هنوز زنان تشکلهای لازم را برای مقابله با پایمالی تمامی حقوق اجتماعی خویش را نیافته اند و از همین روست که در مقابل اعمال و حثیانه و سرکوبهائی که علیه زنان اعمال میشود، مبارزه چندانی را شاهد نیستیم. البته این تاکید بسیار ما بر زنان نه به معنی جداسازی آنان از مبارزه طبقاتی و مبارزه برای سرنگونی رژیم بلکه به معنای تاکید بسیار بر لزوم سازماندهی زنان حول یک مشترکی که جهت زن بودن به آنان اعمال میشود و تاکید بسیار بر لزوم پیشبرد مبارزات دمکراتیک آنان است. زنان هرچند در کارخانه و مزرعه، اداره و مدرسه، شهر و روستا باید هم‌پا و دوشادوش مردان رزم طبقاتی خود را تداوم بخشند اما باید آنانرا برای پیشبرد وجه دیگری از مبارزه طبقاتی در شکل مبارزه جهت احقاق حقوق زنان نیز سازمان داد و از این طریق میتوان وسیع‌ترین زنان را به‌عمر پیگیری پیگیر با رژیم فرا خواند. زنان باید در هر کجا با تشکیل هسته‌هایی از مبارزترین و آگاه‌ترین افراد تبلیغ وسیع بر ضد سیاستهای ارتجاعی رژیم را سازمان دهند و از این راه زنان را در مقابله با این سیاستها بسیج نمایند. این عمل بخصوص در کارخانجاتی که تمام یا اکثر کارگران را زنان تشکیل میدهند و در مشاغلی چون بهیاری و پرستاری و ... اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. البته تبلیغ برای زنان محدود بخود زنان نیست بلکه این وظیفه‌ای به دوش تمامی کارگران و زحمتکشان اعم از زن یا مرد و بخصوص نیروهای انقلابی و کمونیست است.

